

ما برای دختران نیجرهای دعا نمی‌کنیم!

ما برای آزادی خواهرانمان با واپس‌گرایان مردسالار در هر لباسی می‌جنگیم!



صفحات مدیای جهانی پر شده از عکس‌های دختران سیاه‌پوش، مادران گریان و خشمگین و مردان مسلح و ریشو که با اسلحه این دختران را در اختیار گرفته‌اند و ... همه خبر از ربوده شدن بیش از ۲۰۰ دختر نیجرهای می‌دهند که به‌وسیله‌ی نیروی موسوم به «بوکو حرام» در ماه آپریل امسال از یک مدرسه‌ی شبانه‌روزی در روستای چیبوک در شمال نیجریه ربوده شده‌اند. این گروه اسلامی مسلح که در اصل «جماعه‌ی اهل السنة للدعوة والجهاد» و در زبان هوسه «بوکو حرام» یا تحصیل غربی ممنوع نامیده می‌شوند برای اولین بار نیست که دست به چنین اقداماتی می‌زنند. از سال ۲۰۰۲ تا کنون با حملات مسلحانه به مدراس و به آتش کشیدن آن‌ها، کشتار مردم، ترور، گروگان‌گیری و ... به وضوح اعلام داشته‌اند که خواهان تعطیلی مدارس و

برقراری قوانین شریعت در تمام نیجریه هستند. آن‌ها هر نوع فعالیت سیاسی و یا اجتماعی غربی برای مسلمانان را حرام می‌شمارند از جمله رای دادن، پوشیدن بلوز و شلوار، درس خواندن .. و مثل بقیه‌ی شاخه‌های سلفیست معتقد به نفی هرگونه

تعقل در فهم معنای ظاهری کلام خدا و حمل آن بر معانی لغوی هستند و عجیب نیست که «محمد یوسف» بنیان‌گذار این گروه (که در سال ۲۰۱۲ کشته شد) معتقد بود که زمین مسطح است و باران از بخار روی زمین به وجود نمی‌آید. این گروه معتقد است که زنان باید ازدواج کنند و در خانه بمانند و نباید تحصیل کنند و زنانی که در جنگ به‌دست می‌آیند غنیمت جنگی هستند و می‌توان آن‌ها را به بردگی فروخت یا به همسری گرفت. مجموعه‌ای از عقب‌ماندترین و زن‌ستیزترین تفکرات در قرن بیست‌ویکم که باعث شد رهبر فعلی‌شان «ابوبکر شی‌کاو» پس از ربودن دختران و به آتش کشیدن مدرسه با وقاحت اعلام دارد که قصد دارند دختران را به عنوان برده بفروشند و یا به همسری در بیاورند و خود نیز دو دختر ۹ و ۱۲ ساله را به همسری خواهد گزید. اگرچه دولت نیجریه و جامعه جهانی سعی داشتند تا با بی‌تفاوتی از کنار این حادثه نیز بگذرند اما مقاومت خانواده‌ها و اعتراضات خیابانی و کمپین‌های مجازی آن‌ها را وادار به عکس‌العمل کرد و به تکاپو انداخت. دولت ارتش را به جستجو فرستاد و جامعه جهانی با فیکورهای دلسوزانه و پیام‌های پرسوز و گداز به «هم‌دردی» پرداخت و کمپین «دختران ما را بازگردانید!» در شبکه‌های اجتماعی مجازی با سرعت گسترش یافت و شخصیت‌های سیاسی و اجتماعی و هنری نیز به آن پیوستند و «میشل اوباما» در هیات‌مادری نگران و «هیلاری کلینتون» نیز با ادعای طرفداری از حق اولیه‌ی تحصیل به این کمپین پیوستند و «اوباما» اعلام کرد که به عنوان رئیس‌جمهور آمریکا هر کمکی برای پیدا کردن این دختران خواهد کرد؛ اما «نیروی نظامی» به نیجریه نخواهند فرستاد. بالاخره رهبران بوکو حرام اعلام کردند که در صورت آزادسازی گروگان‌های‌شان وارد معامله با دولت خواهند شد و در آخرین اقدام‌شان ویدیویی از دختران ربوده شده در حال قرآن‌خوانی جمعی منتشر کرده و اعلام کردند که آن‌ها در این مدت مسلمان شده‌اند، این در حالی است که شواهد نشان از آن دارد که عده‌ای از این دختران در کشورهای همسایه به قیمت حدود ۱۲ دلار فروخته شده‌اند.

تا این‌جا ظاهراً دختران بی‌گناه نیجرهای به شکل استثنایی گرفتار خشم یک گروه اسلامی و یا به عبارت دیگری اسلامیان افراطی یا تروریست شده‌اند. اما این تصویر چقدر واقعی است؟! چرا این گروه بوکو حرام مدعی غرب‌ستیزی طی ۱۲ سال فعالیت، اساساً جز یک یا دو حمله، حمله‌ی جدی به منافع غرب و یا دولت دست‌نشانده‌ی آنان نکرده است و دایماً مردم بی‌دفاع و خصوصاً زنان و دختران را آماج خشم و سرکوب خود می‌نماید؟! چرا مسئولین دولت که حداقل چهار ساعت پیش از این حمله از آن اطلاع داشتند اساساً برای جلوگیری از این حمله کاری نکردند؟! چرا دولت به درخواست خانواده‌ها برای تعقیب ربایندگان اهمیتی نمی‌دهد؟! به چه علت هلیکوپترهای دولتی ۴ بار برای ربایندگان محموله ریخته‌اند آن‌هم در حالی که خانواده‌ها در جنگل به دنبال دختران‌شان بودند و شاهد این ماجرا؟! چرا در نیجریه که پرجمعیت‌ترین کشور در آفریقا و صاحب بیشترین منابع نفتی در آن قاره است و از بزرگترین صادرکنندگان نفت در جهان، نیمی از جمعیت آن که در شمال کشور ساکن هستند و مسلمان‌اند، سهم بسیار ناچیزی از درآمد نفتی دارند و ۸۰ درصد درآمد به وسیله‌ی تعداد محدود تصرف شده و نزدیک به ۱۰۰ میلیون نفر یعنی ۷۰ درصد جمعیت کشور فقیر هستند و روزانه زیر دو دلار درآمد دارند آن‌هم اگر کاری گیرشان بیاید چون بیش از ۵۰ میلیون نفر بیکار هستند.

باید سوال کرد چرا در این شرایط بد اقتصادی، رئیس‌جمهور بزرگترین کشور تولیدکننده‌ی نفت در قاره‌ی آفریقا، ژانویه‌ی سال ۲۰۱۲ یک‌شنبه اعلام کرد که قیمت نفت دوبار برابر شده است که متعاقباً باعث بالا رفتن قیمت اجناس و فقر شدید شد و مقاومت مردم هم هرگز نتوانست قیمت‌های پیشین را بازگرداند. رئیس‌جمهور هم چنین اعلام کرد که پارانها‌ها پایان خواهد یافت و در نتیجه آن فقر در نیجریه

ابعاد وسیعتری به خود گرفت. ظاهراً رییس‌جمهور برای بازپرداخت وام‌ها، انتخابی جز قبول شروط بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول نداشت!

ولی چرا پنجمین صادرکننده نفت جهان مقروض است؟ برای ساخت زیرساخت‌های صنعت نفت و سودرسانی به شرکت‌های هلندی-انگلیسی شل، شورون آمریکا، آگپ ایتالیایی و توتال فرانسوی؛ یعنی سقوط هرچه بیشتر در روابط سرمایه‌داری امپریالیستی که با رشد گلوبالیزاسیون روزانه در حال زیر و رو کردن و به قهقرا بردن زندگی میلیون‌ها نفر است و در نیجریه نیز در نیم قرن گذشته و در مسیر دستیابی به وابستگی نفتی هر چه بیشتر، شبلات غنی و کشاورزی حاصلخیز آن کاملاً تخریب شده است و بدین شکل زمین مناسبی برای رشد بنیادگرایی مذهبی ایجاد شده است. یک جمعیت حاشیه‌ای در شمال و شمال‌شرق کشور که سهمی از نفت جنوب ندارد و وعده‌های رستگاری اسلام‌گرایان می‌تواند پاسخی به حرمت انسانی از دست رفته آنان باشد و غرب‌ستیزی آنان که هیچ ربطی به مبارزه واقعی با ساختارهای سرمایه‌داری ندارد، می‌تواند از روبروی ایدئولوژیک سرمایه‌داری افشاگری نموده و پاسخی واپس‌گرایانه‌تر را نوید دهد. زمانی که اسلام‌گرایان در تقابل با کالایی شدن بدن زن در غرب و سکسیزم بازگشت بردگی زنان را نوید می‌دهند و ابوبکر و قیحانه بشارت می‌دهند: "زنان برده هستند. من می‌خواهم به برادران مسلمانم اطمینان دهم که در دین اسلام خدا برده‌گی را اجازه داده است" نباید آن را صرفاً حاصل خشمغزی واپس‌گرایانه‌ی آنان بدانیم، بلکه باید آن را «مدیون» کارکرد نظام سرمایه‌داری بدانیم و این که مردم چیزی معتبرتر از بنیادگرایی مذهبی در صحنه نمی‌یابند. بنابراین عجیب نیست که بوکوحرام هم مانند "ارتش مقاومت خدا" (ال آر ای) در اوگاندا که برای برقراری حکومتی مسیحی مبارزه می‌کند، دست به ربودن کودکان و استفاده از آن‌ها بعنوان سرباز، برده جنسی و خدمتکار و ... بزند.

اما در این چرخه‌ی واپس‌گرای بین‌امپریالیست‌ها و بنیادگرایان مذهبی اگرچه هر کدام از طرفین برای بقای این دور تسلسل به دیگری نیاز دارند اما برای کشیدن مردم به طرف خود، باید دیگری را بی‌اعتبار جلوه دهند تا از این طریق برای خود اعتبار کسب کنند. خصوصاً دولت‌های امپریالیستی که حافظین اصلی این نظام کهنه و روابط عقب‌مانده‌ی آن هستند سعی دارند با اشک تمساح ریختن و پنهان کردن خودشان در پشت شعارهای «انسان دوستانه» و فیگورهای مصلحت‌جویانه، دستان خون‌آلودشان را پوشانند. وقتی هیلاری کلینتون با عوام‌فریبی می‌گوید: «دستیابی به آموزش یک حق اولیه است، ... ما باید بر علیه تروریسم به پا خیزیم!» یعنی چه؟! آیا آموزش فقط حق اولیه‌ی این ۲۰۰ دختر است؟! در حالی که ۶۶ درصد از بی‌سوادان و کم‌سوادان جهان زنان هستند. یا مگر غیر از این است که انحصار مشروع استفاده از اسلحه و تسلیحات نظامی در دست دولت‌هاست و علی‌الخصوص ساخت و تکامل و کاربرد آن در دست کشورهای امپریالیستی و خصوصاً آمریکا است. بنابراین موضوع تروریست بودن این گروه و آن گروه معنا ندارد تا زمانی که بزرگترین تروریست جهان آمریکا در راس قدرت قرار گرفته و هر روز مترسکی جدید می‌سازد. مگر غیر از این است که آمریکا با حمایت مالی عربستان و دخالت مستقیم پاکستان، طالبان را ساخت، و بعد همین کلینتون‌ها حمله نظامی و اشغال افغانستان را برای برکناری طالبان و «نجات» زنان افغانستان را رهبری کردند و امروز نیز هوراکش دعوت از آنان برای شراکت در قدرت و «دمکراسی» هستند و اتفاقاً امتیازی که در این رابطه به طالبان می‌دهند، اجرای بی‌چون و چرای شریعت و در قلب آن موقعیت بردگی زنان در افغانستان است؟

از دیگر سو میشل اوباما هم با فیگوری مادرانه دختران نیجریه‌ای را همانند دختران خود می‌نامد و می‌گوید: «دعاهای ما همراه دختران ربوده‌شده‌ی نیجریه‌ای و خانواده‌های آن‌هاست. زمان آن رسیده که دختران ما را بازگردانید!» اما میشل اوباما که بیشتر از دختران نیجریه‌ای نگران اعتبار همسر خودش است نمی‌گوید که چرا نگران دستگیری دو تن از زنان نیجریه‌ای رهبری‌کننده‌ی اعتراضات علیه بی‌عملی پلیس و دولت نیست که به دستور همسر رئیس‌جمهوری نیجریه برای جلوگیری از صدمه خوردن به اعتبار همسرش دستگیر شده‌اند. همان دولتی که میشل اوباما و همسرش و دولت مطبوع‌شان حامی و پشتیبان آن هستند و در صحنه‌ی بین‌المللی آن را به رسمیت می‌شناسند. همان دولتی که بوکو حرام بدون پشتوانه‌ی حمایت آن یا بخش‌هایی از آن نمی‌توانست دوام بیاورد. همان دولتی که مو به مو سیاست‌های ادغام نیجریه در روابط جهانی سرمایه‌داری را پیش برده و قدم به قدم شکاف طبقاتی را افزایش داده و بر بردگی و فقر زنان و دختران آن افزوده است. بنابراین دختران نیجریه‌ای به تنها چیزی که نیاز ندارند دعاها و حمایت مرتجعین و مسببین این اوضاع است. آن‌هایی که عوام‌فریبانه از قلب بنیادگرایی روزافزون مسیحیت، از درگاه «مسیح» مدد می‌جویند تا مدعیان نمایندگی «الله» را شکست دهند تا هر چه بیشتر به تحمیق مردم بیفزایند.

دولت‌هایی مثل دولت نیجریه در چرخه‌ی سرمایه‌داری جهانی و با پشتیبانی مستقیم و غیرمستقیم امپریالیست‌ها و خصوصاً با به قهقرا بردن زندگی زنان، قادر شده‌اند بر زندگی میلیون‌ها نفر حکمرانی کنند. بدون نابودی زندگی میلیون‌ها برده به اسم زن، بدون فقر و فلاکت میلیون‌ها انسان، مافوق سود برای شرکت‌های چندملیتی حاصل نخواهد شد. در چنین شرایطی است که دیگر جریان‌ات واپس‌گرا چون بوکوحرام هم می‌خواهند از تضادی که در نتیجه‌ی کارکرد این نظام به وجود آمده است، استفاده کرده و خود را به قدرت برسانند؛ و وقتی که این نیروهای ارتجاعی به صحنه می‌آیند، مانند آنچه در مصر و تونس هم دیدیم از یک طرف دولت‌ها آن‌ها را به عنوان آلترناتیوی در مقابل شکل‌گیری قطب انقلابی تقویت می‌نمایند و از سوی دیگر برای اعتبار بخشیدن به خود به مخالفت با آنان برمی‌خیزند تا فروپاشی خود را به تعویق بیندازند. به همین دلیل بدون مبارزه‌ی هم‌زمان با این دو پوسیده امکان هیچ پیش‌روی برای ما زنان وجود ندارد. به همین دلیل، دختران نیجریه‌ای به دعاها و دلسوزی‌ها و حمایت‌های عوام‌فریبانه‌ی هیچ‌کس نیازی ندارند. آن‌ها نیز مثل تمام زنان جهان فقط با مبارزه‌ی بی‌امان با دو واپس‌گرای پدر-مردسالار یعنی سرمایه‌داری امپریالیستی و بنیادگرایی مذهبی راه‌هایی خود را خواهند یافت و ما نیز برای راهی خواهران‌مان بر شدت گام‌هایمان می‌افزاییم تا با افشای روابط واپس‌گرا و مردسالارانه در جهان، راه‌هایی خواهران‌مان در نیجریه و همه زنان جهان را هموار نماییم.

سازمان زنان ۸ مارس (ایران - افغانستان)

۱۵ می ۲۰۱۴

www.8mars.com

zan_dem_iran@hotmail.com